خبر

دکتر پزشکیان: برابر هیچ تهدیدی عقب‌نشینی نمی‌کنیم

رئیس جمهور کشورمان با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اولویت ما امنیت ملی و آرامش مردم است. با اقتدار از حقوق ملت دفاع می‌کنیم و در برابر هیچ تهدیدی عقب‌نشینی نخواهیم کرد.دکتر مسعود پزشکیان با تاکید بر این‌که دیپلماسی و دفاع دو بال قدرت ملی‌اند؛ نوشت: نه میدان را ترک کرده‌ایم و نه میز مذاکره را. به امید خدا با وحدت و عقلانیت، ایران از این آزمون نیز سربلند عبور خواهد کرد.

رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایران:

معادله آتش‌بس روی کاغذ و نقض مکرر آن در میدان را برهم زدیم

رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس هیأت مذاکره‌کننده «میناب ۱۶۸» در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: معادله آتش‌بس روی کاغذ و نقض مکرر آن در میدان را برهم زدیم. محمدباقر قالیباف، افزود: تا زمانی که اراده واقعی برای اعتمادسازی نداشته باشید، پاسخ ایران همین خواهد بود.

ذوالقدر: دشمن خطا کند، منطقه برایش جهنم می‌شود

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در پیامی به مناسبت ۱۰۰ روزگی حضور مردمی در میادین کشور، هشدار داد اگر ائتلاف صهیونی-آمریکایی خطایی کند، منطقه برایش جهنم می‌شود. محمدباقر ذوالقدر، نوشت: ۴۷ سال و ۱۰۰ روز مقاومت، از میدان جنگ تا میدان شهر، از میدان شهر تا میدان سیاست و دیپلماسی، نظم امنیتی جهان را دگرگون کرده است. دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با بیان این‌که تهدید معتبر را از جایی غیر از واشنگتن و تل‌آویو جست‌وجو کنید، تصریح کرد: اگر ائتلاف شیطانی صهیونی-آمریکایی دیگر بار دست از پا خطا کند، منطقه برایش جهنم خواهد شد! ذوالقدر در آخر نوشت: سلام بر شهیدان ضاحیه.

تقدیر سردار مجید موسوی از حضور ۱۰۰ روزه مردم در خیابان‌ها

فرمانده نیروی هوا و فضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت ۱۰۰ روزه شدن تجمعات مردمی در سراسر کشور در پیامی ویدئویی ضمن تقدیر از همه مردم مقتدر، ولایتمدار و با عزت ایران اسلامی به سبب حماسه‌ای که در طول این ۱۰۰ روز گذشته آفریدند، تاکید کرد که مردم مبعوث‌شده ایران به شایستگی مسئولیت خود را در بهترین و خطیرترین برهه تاریخ درک کرده و توانستند با اقدامات شایسته خود و حضور در میدان، دشمن را مأیوس کنند. سردار سید مجید موسوی با اشاره به این‌که این نیرو به‌واسطه حضور مردم در خیابان‌ها و در میدان‌ها با اقتدار ایستاد و در ۴۰ روز اقدام عملیاتی انجام داد، افزود: اما عملیات شما ۱۰۰ روز به درازا کشید؛ لذا من هم از شما ملت غیور و از همه آحاد ملت و همه کسانی که در قالب این توده عظیم و این انسان‌های ارزشمند خودشان را به عنوان جمعیت مبعوث‌شده به نمایش گذاشتند و انتظار ولایت را در صحنه ظاهر کردند، تشکر می‌کنم. شما مردمی که در اقشار مختلف، نصاب سنی‌های مختلف، جنسیت‌های مختلف و به‌ویژه بانوانی که با وجود همه مسئولیت‌های خانوادگی میدانداری ارزشمندی در این صحنه بودند، این مسیر را همچنان تا زمانی که مقام عظمای ولایت اراده می‌کند، حفظ کنید و تلاش داشته باشید که ان‌شاءالله ما بتوانیم با پیوند زدن میدان خیابان و دیپلماسی دشمن را از صحنه تلاش مذبوحانه خارج کنیم و عزت و اقتدار را برای ایران و جهان و ملت‌های آزاده فراهم کنیم.

بقایی: در موضوع پول‌های بلوکه شده مماشات نخواهیم کرد

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤال خبرنگار جام جم مبنی بر این‌که براساس اخبار منتشرشده، آمریکا به‌دنبال مصادره بخشی از دارایی‌های مسدود شده ایران به منظور تأمین هزینه‌های بازسازی و جبران خسارت‌های وارد شده به متحدان منطقه‌ای خود است؛ گفت: این ادعاها بخشی از جنگ و فشار رسانه‌ای و تبلیغاتی طرف‌های مقابل است و حتما بخشی از این جنگ شناختی و ترکیبی از رژیم صهیونیستی نشأت می‌گیرد. اسماعیل بقایی افزود: ادعای مضحکی است چون ما به شدت طلبکاریم از همه طرف‌های منطقه‌ای که به هر نحوی در ارتکاب جنایت توسط این رژیم و آمریکا علیه ایران نقش داشتند و این مطالبه را به هر شیوه و طریقی که بتوانیم دنبال خواهیم کرد. وی تصریح کرد: اموال بلوکه شده ایران یکی از اجزای هر توافقی است که روند مذاکرات آن ادامه دارد و قرار نیست هیچ مماشاتی از سوی ایران صورت بگیرد.

نصر جدید مقاومت

عملیات موشکی ایران و سایر اضلاع محور مقاومت در واکنش به حمله علیه ضاحیه، معادله تازه‌ای را به تل‌آویو تحمیل کرد





مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

تحولات ۴۸ ساعت گذشته را می‌توان یکی از مهم‌ترین حلقه‌های جنگ تحمیلی سوم دانست؛ رخدادهایی که از تهدید رژیم صهیونیستی به هدف قرار دادن ضاحیه جنوبی بیروت آغاز شد و درنهایت با حمله ایران و سپس تبادل آتش میان ایران و اسرائیل ادامه یافت.

ما جرا از جایی آغاز شد که ارتش رژیم صهیونیستی در بعدازظهر یکشنبه حمله‌ای را به ضاحیه جنوبی بیروت انجام داد. این تجاوز در شرایطی صورت گرفت که تهران پیشتر بارها اعلام کرده بود هرگونه توافق برای پایان جنگ، صرفا محدود به جغرافیای ایران نیست و امنیت جبهه مقاومت به‌خصوص لبنان، بخشی از معادله امنیتی جدید منطقه محسوب می‌شود. در واکنش به این اقدام تجاوزکارانه، موضع مقامات ارشد کشور نشان داد که تهران میان امنیت ایران و امنیت جبهه مقاومت، تفکیکی قائل نیست. قالیباف در توییتی با اشاره به تناقض‌های آشکار طرف مقابل در گفتار و عمل بیان کرد: «نه به آتش‌بس پایبندند نه به گفت‌وگو باور دارند، و با محاصره دریایی و نقض توافقات درباره لبنان، نشان دادند که فقط زبان قدرت می‌فهمند. محاصره دریایی علیه ملت ایران و چراغ سبز امروز آمریکا به رژیم صهیونیستی، پایگاه‌ها و دارایی‌های آمریکا و رژیم در منطقه را به اهداف مشروع تبدیل می‌کند. دست نیروهای مسلح ما مثل همیشه باز است.» شاید در نگاه نخست این اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی محدود و کنترل‌شده به نظر می‌رسید اما اهمیت آن بیش از ابعاد نظامی‌اش بود. از منظر تهران، این اقدام صرفا حمله به بخشی از لبنان نبود؛ بلکه آزمونی برای سنجش میزان جدیت ایران در عملی کردن هشدارهای قبلی خود محسوب می‌شد.

پاسخ برق‌آسای ایران

فاصله میان حمله به ضاحیه و پاسخ ایران چندان طولانی نبود. ساعاتی بعد آسمان فلسطین اشغالی شاهد موجی از حملات موشکی ایران بود. اهداف نظامی در سرزمین‌های اشغالی زیر آتش موشک‌های ایرانی قرار گرفتند و بدین ترتیب تهران نشان داد هشدارهای پیشین صرفا جنبه تبلیغاتی نداشته است. اهمیت این حمله بیش از تعداد موشک‌ها یا میزان خسارات، در پیام سیاسی و راهبردی آن نهفته بود؛ پیامی که می‌گفت معادله جدید امنیتی منطقه صرفا روی کاغذ باقی نخواهد ماند. در همین زمینه قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص) پس از حملات موشکی به مناطقی از اسرائیل از جمله پایگاه هوایی نواتیم و تل‌نوف با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «رژیم متجاوز صهیونیستی با نقض مکرر آتش‌بس، شرارت‌های خود علیه مردم مظلوم لبنان با چراغ سبز و حمایت آمریکای جنایتکار و سکوت مجامع بین‌المللی را روز به روز افزایش داده و با استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های فسفری، مرتکب جنایات جنگی می‌گردد. با وجود هشدارهای قبلی جمهوری اسلامی ایران، رژیم کودک‌کش صهیونیستی با عبور از همه خطوط قرمز و افزایش حملات در جنوب لبنان، ضاحیه بیروت را هدف قرار داده است. قبلا اخطار داده بودیم در صورت گسترش جنایت در ضاحیه بیروت، اهدافی را در سرزمین‌های اشغالی مورد هجوم قرار می‌دهیم. ارتش صهیونیستی باید حملات خود به جنوب لبنان و ضاحیه را متوقف نماید و در صورت گسترش حملات خود به آن منطقه یا پاسخ به اقدام ایران با ضربات کوبنده‌تر و پشیمان‌کننده روبه‌رو و حملات ویرانگری علیه رژیم و حامیان آن آغاز خواهد شد.»

واهمه آمریکا از گسترش جنگ

در ادامه دونالد ترامپ در اولین موضع‌گیری خود با خطاب قرار دادن ایران در پیامی گفت: «موشک‌های خود را زدید، وقتش است پای میز مذاکره بازگردید». او ضمن ادعای دعوت تهران به بازگشت به مذاکرات، خواستار کنترل تنش‌ها شد. همین مواضع نشان می‌داد واشنگتن برخلاف ادبیات تهاجمی روزهای گذشته، نسبت به گسترش درگیری نگران است. به شکلی که ترامپ با ابراز ناراحتی خود از طرف اسرائیلی گفت: «حملات به بیروت با من هماهنگ نشده بود. من ناراحتم» و در ادامه در یک عملیات رسانه‌ای برای نشان دادن عدم دخالت آمریکا در شرایط پیش آمده به رسانه‌ها گفت: «به نتانیاهو خواهم گفت که به ایران حمله نکند» یا در جای دیگر بیان کرد «همه فرمان‌ها را من می‌دهم نه نتانیاهو و او چاره‌ای جز پذیرش توافق ندارد».

واکنش مستاصلانه صهیون و توقف درگیری‌ها

با آغاز ساعات اولیه بامداد، اسرائیل نیز حملاتی را علیه اهدافی در داخل خاک کشورمان انجام داد. برخی مراکز در تهران، کرج، تبریز، ارومیه، اصفهان و همچنین بخش‌هایی از زیرساخت‌های صنعتی و پتروشیمی در خوزستان همانند پتروشیمی کارون در ماهشهر، هدف قرار گرفتند اما برخلاف انتظار طراحان این حملات، تهران نه‌تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد بلکه موج جدیدی از پاسخ‌های موشکی را نیز در دستور کار قرار داد. سرانجام پس از ساعت‌ها تنش، تبادل آتش و جنگ روانی، دو طرف از توقف عملیات سخن گفتند؛ توقفی که برخلاف بسیاری از آتش‌بس‌های گذشته، با شروط مشخص و متقابل همراه بود. قرارگاه خاتم در بیانیه‌ای خود شروطی را برای حفظ آتش‌بس اعلام کرد: «توقف عملیات نیروهای مسلح اعلام می‌گردد؛ اما تاکید می‌شود که در صورت تداوم تجاوزات و شرارت‌ها، از جمله در جنوب لبنان، اقدامات بسیار شدیدتر و کوبنده‌تر از قبل در راه خواهد بود.»

یکپارچگی جبهه مقاومت؛ از شعار تا واقعیت

شاید مهم‌ترین پیام تحولات اخیر، تثبیت عملی نخستین شرط ایران برای پایان جنگ باشد؛ شرطی که براساس آن، امنیت ایران از امنیت جبهه مقاومت جدا نیست. تا پیش از این، برخی تحلیلگران تصور می‌کردند تأکید تهران بر «وحدت ساحات» و یکپارچگی جبهه مقاومت بیشتر جنبه سیاسی و تبلیغاتی دارد اما پاسخ موشکی اخیر نشان داد این موضوع وارد مرحله عملیاتی شده است. به بیان دیگر، حمله به یکی از اجزای جبهه مقاومت می‌تواند واکنش مستقیم ایران را به دنبال داشته باشد.

درواقع تهران تلاش کرد این پیام را منتقل کند که پایان جنگ صرفا به معنای توقف درگیری در یک جغرافیای خاص نیست. اگر قرار است معادله‌ای برای کاهش تنش شکل بگیرد، همه طرف‌ها باید به آن پایبند باشند و هیچ بازیگری نمی‌تواند با تصور مصونیت، بخشی از این معادله را نقض کند.

پایان فرضیه «ایران پاسخ نمی‌دهد»

سال‌ها یکی از مهم‌ترین محاسبات دشمنان ایران بر این فرض استوار بود که تهران در شرایط حساس از ورود مستقیم به سطوح بالاتر تنش، خودداری خواهد کرد. حمله اخیر تا حد زیادی این فرضیه را با چالش مواجه کرد. ورود مجدد به سطحی از درگیری که احتمال گسترش آن وجود داشت، نشان داد ایران حاضر است برای تثبیت خطوط قرمز خود هزینه بپردازد. اهمیت این مسأله زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم موضوع مورد مناقشه نه خاک ایران بلکه حمله به یکی از متحدان منطقه‌ای تهران بود.

از نگاه طراحان این راهبرد، اگر ایران برای دفاع از یکی از اضلاع جبهه مقاومت حاضر به پذیرش چنین سطحی از ریسک باشد، در موضوعاتی که مستقیما به امنیت ملی و منافع حیاتی کشور مربوط می‌شود با قاطعیت بیشتری عمل خواهد کرد.

پیروزی ایران در آزمون اراده

حمله به ضاحیه را می‌توان نوعی آزمون اراده دانست. به‌نظر می‌رسید طراحان این اقدام در پی سنجش این موضوع بودند که آیا هشدارهای پیشین تهران صرفا مصرف رسانه‌ای دارد یا پشتوانه عملیاتی نیز برای آن تعریف شده است. پاسخ سریع ایران عملا این آزمون را بی‌نتیجه گذاشت. از این منظر، اهمیت حمله موشکی نه فقط در ابعاد نظامی آن بلکه در جلوگیری از شکل‌گیری یک برداشت خطرناک در محاسبات دشمن بود؛ برداشتی که می‌توانست به تکرار اقدامات مشابه در آینده منجر شود.

بازی پلیس خوب و پلیس بد

یکی از نکات قابل توجه در جریان تحولات اخیر، همزمانی برخی پیام‌های دیپلماتیک با تشدید فشارهای میدانی بود. در حالی که از یک سو سخن از مذاکرات، توافق و کاهش تنش به میان می‌آمد همانند سفر میانجی‌های پاکستانی به تهران و ارسال پیام به مقامات ایرانی، از سوی دیگر حمله به ضاحیه صورت گرفت. از منظر این تحلیل، آمریکا و اسرائیل تلاش داشتند با تقسیم نقش میان خود، همزمان دو هدف را دنبال کنند؛ نخست افزایش فشار بر ایران و دوم حفظ کانال‌های مذاکره برای کسب امتیاز بیشتر. اما پاسخ موشکی ایران باعث شد این طراحی با دشواری روبه‌رو شود. به همین دلیل نیز شاهد تغییر لحن و تلاش برای مهار بحران در ساعات بعدی بودیم.

اقتدار حاصل از جنگ تحمیلی سوم

یکی دیگر از دلالت‌های مهم تحولات اخیر، تأثیر تجربه جنگ تحمیلی سوم بر رفتار راهبردی ایران است. در این چارچوب، تهران نشان داد دیگر صرفا در موضع واکنش قرار ندارد بلکه قادر است آغاز و پایان یک چرخه درگیری را نیز مدیریت کند. اعتماد به نفس ناشی از توانمندی‌های نظامی، تجربه عملیاتی نیروهای مسلح و همچنین اتکای ساختار سیاسی به پشتوانه اجتماعی، موجب شده است محاسبات ایران نسبت به گذشته متفاوت باشد. در چنین شرایطی، تهدیدات دشمن تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند هزینه‌ای فراتر از آستانه تحمل ایران ایجاد کند؛ موضوعی که به نظر می‌رسد در تحولات اخیر محقق نشد.

معادله جدید بازدارندگی

اگر بخواهیم همه رخدادهای ۲۴ ساعت گذشته را در یک جمله خلاصه کنیم، باید گفت که تهران در حال تثبیت یک معادله جدید بازدارندگی است؛ معادله‌ای که بر سه پایه استوار است:

نخست؛ یکپارچگی جبهه مقاومت و عدم تفکیک میان اجزای آن.

دوم؛ پاسخ قاطع و سریع به هرگونه نقض تعهدات یا عبور از خطوط قرمز.

و سوم؛ حفظ ابتکار عمل در تعیین زمان آغاز و پایان تنش‌ها.

براساس این معادله، هر بازیگری که بخواهد از شکاف میان جبهه‌های مختلف مقاومت استفاده کند یا بخشی از توافقات را نادیده بگیرد، باید خود را برای واکنش مستقیم و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده آماده کند. به همین دلیل، بسیاری از ناظران معتقدند مهم‌ترین دستاورد تحولات اخیر نه در میدان نظامی بلکه در عرصه ادراک و محاسبات راهبردی رقم خورده است؛ جایی که تهران تلاش کرد نشان دهد شروط خود برای پایان درگیری، صرفا بندهایی روی کاغذ نیستند بلکه پشتوانه عملیاتی دارند و در صورت لزوم با قدرت اجرا خواهند شد.

معادله‌ای که تهران در پی تحمیل آن است

اگر «وحدت ساحات» را مهم‌ترین پیام ایران به متحدان خود بدانیم، وجه دیگر این معادله متوجه دشمنان ایران است. در نگاه تهران، همان‌گونه که اجزای جبهه مقاومت یک مجموعه به‌هم‌پیوسته تلقی می‌شوند، جبهه مقابل نیز از چنین وضعیتی برخوردار است. به بیان دیگر، اگر آمریکا، اسرائیل و برخی بازیگران منطقه‌ای در عرصه سیاسی، اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی در کنار یکدیگر عمل می‌کنند، نمی‌توانند هنگام پرداخت هزینه‌ها خود را از یکدیگر جدا کنند.

این نگاه طی سال‌های گذشته بارها در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی مطرح شده بود اما تحولات اخیر نشان داد این موضوع نیز در حال عبور از مرحله نظری به مرحله عملیاتی است. براساس این برداشت، دیگر صرفا عامل مستقیم یک اقدام مسئول شناخته نمی‌شود بلکه مجموعه‌ای که زمینه، پشتیبانی، پوشش سیاسی یا امکانات لازم برای آن اقدام را فراهم کرده نیز بخشی از مسئولیت را برعهده دارد.

از این منظر، پیام عملیات اخیر تنها متوجه تل‌آویو نبود. تهران تلاش کرد این پیام را منتقل کند که هر بازیگری که در طراحی، حمایت یا تسهیل اقدامات علیه ایران و متحدانش نقش ایفا کند، نمی‌تواند خود را بیرون از دایره پیامدهای آن تعریف کند. این همان معادله‌ای است که طی سال‌های گذشته بارها درباره حضور نظامی آمریکا در منطقه، پایگاه‌های نظامی خارجی و شبکه همکاری‌های امنیتی رژیم صهیونیستی مطرح شده است.

درواقع، آنچه در حال شکل‌گیری است، نوعی بازتعریف مسئولیت در میدان تقابل منطقه‌ای است. اگر در گذشته برخی بازیگران تصور می‌کردند می‌توانند از پشت صحنه در طراحی و پشتیبانی عملیات‌ها مشارکت داشته باشند و در عین حال از تبعات آن مصون بمانند، اکنون تهران می‌کوشد این تصور را به چالش بکشد. به همین دلیل است که بسیاری از ناظران، عملیات اخیر را صرفا واکنش به حمله ضاحیه نمی‌دانند بلکه آن را بخشی از تلاش ایران برای ترسیم یک معادله بازدارندگی گسترده‌تر ارزیابی می‌کنند.

در این چارچوب، مسأله فقط لبنان نیست. همان‌گونه که تهران بارها درباره امنیت تنگه هرمز، حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس و نقش بازیگران خارجی در بحران‌های منطقه‌ای موضع‌گیری کرده، اکنون نیز تلاش دارد تا نشان دهد هرگونه فشار یا تهدید علیه منافع راهبردی ایران، می‌تواند مجموعه‌ای از بازیگران را در معرض پیامدهای آن قرار دهد. این همان منطقی است که به باور تصمیم‌گیران ایرانی، می‌تواند هزینه تصمیمات خصمانه را برای طرف مقابل افزایش دهد و احتمال ماجراجویی‌های بعدی را کاهش دهد.

چرا تهران بر دفاع از لبنان تأکید می‌کند؟

در کنار ابعاد نظامی و سیاسی، تحولات اخیر یک بعد مهم دیگر نیز دارد؛ بعدی که شاید در بلندمدت حتی از میدان نبرد نیز تعیین‌کننده‌تر باشد. این بعد به حوزه افکار عمومی و نحوه تبیین اهمیت جبهه مقاومت برای جامعه ایران مربوط می‌شود.

یکی از پرسش‌هایی که همواره از سوی مخالفان این رویکرد مطرح می‌شود، آن است که چرا ایران باید برای دفاع از لبنان، فلسطین، عراق یا یمن هزینه بپردازد؟ چرا باید خطر افزایش تنش یا حتی ورود به جنگ را بپذیرد؟ پاسخ به این پرسش از منظر راهبردی جمهوری اسلامی، در ماهیت جنگ‌های جدید نهفته است. واقعیت آن است که ایران در صورت مواجهه با یک جنگ کلاسیک و تمام‌عیار، با ائتلافی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو خواهد شد. در چنین شرایطی، اتکای صرف به مرزهای جغرافیایی کشور نمی‌تواند تضمین‌کننده امنیت ملی باشد. به همین دلیل، طی دهه‌های گذشته راهبردی شکل گرفته که بر ایجاد عمق راهبردی و گسترش ظرفیت‌های بازدارندگی در خارج از مرزهای رسمی کشور استوار است. در این نگاه، حزب‌الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی، نیروهای مقاومت در عراق و انصارالله یمن صرفا بازیگران مستقل منطقه‌ای نیستند بلکه بخشی از منظومه بازدارندگی‌ای هستند که به ایران امکان می‌دهد در برابر فشارهای گسترده‌تر مقاومت کند. بنابراین دفاع از این جبهه، صرفا دفاع از یک متحد نیست؛ بلکه دفاع از بخشی از ساختار امنیت ملی کشور است. از همین منظر است که حامیان این رویکرد معتقدند رها کردن هر یک از اضلاع جبهه مقاومت می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک شکست موضعی داشته باشد. اگر یکی از این حلقه‌ها احساس کند در زمان بحران تنها گذاشته می‌شود، طبیعی است که در آینده نیز انگیزه و توان لازم برای همراهی با دیگر اعضای این جبهه را از دست بدهد. نتیجه چنین روندی چیزی جز تضعیف تدریجی کل ساختار بازدارندگی نخواهد بود.

به همین دلیل، از نگاه مدافعان این راهبرد، دفاع از لبنان صرفا دفاع از بیروت نیست؛ دفاع از امنیت تهران نیز هست. دفاع از مقاومت فلسطین صرفا دفاع از غزه نیست؛ بخشی از دفاع از منافع ملی ایران تلقی می‌شود. در این چارچوب، جبهه مقاومت نه مجموعه‌ای از پرونده‌های جداگانه بلکه شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از منافع و تهدیدهای مشترک است.

